

چگونه حضرت عبدالبهاء در دورهٔ قیادت خود زمینهٔ اصل برابری زنان و مردان را فراهم فرمودند

بهاریه روحانی معانی

اجرای آموزه برابری زنان و مردان از ویژه‌گی‌های بارز عدل پروری و دست‌یابی به معنویت است. تا زمانی که زنان در جوامع مختلف جهان از حقوق برابر با مردان محروم هستند و نتوانند از استعداد ذاتی برای پیشرفت خود و هم‌نوع استفاده نمایند، نه تنها خود مورد ستم قرار گرفته‌اند که جامعه هم از خدمات آنان محروم و از رسیدن به کمال مطلوب باز می‌ماند. ممکن نیست نیمی از جمعیت کشوری را از مزایای طبیعی حیات محروم کرد و انتظار توفیق در کسب معنویت داشت. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

«قوت بنیه ایران جز به تأسیس اخلاق الهی ممکن نه، چون تعدیل و تأسیس اخلاق گردد ترقی در جمیع مراتب محتوم است. هیچ ملتی بدون تعدیل اخلاق فلاح و نجات نیابد و به تحسین اخلاق علوم و فنون رواج یابد و افکار بی‌نهایت روشن گردد...»^۱

طبق این بیان مبارک، تأسیس اخلاق الهی شالودهٔ پیشرفت ملل در همهٔ امور است. بر اثر تعدیل و تأسیس اخلاق عمومی، مردمان به راستی و درستی رو می‌آورند، افکارشان روشن می‌گردد، از دام خودپرستی آزاد شده به آنچه سبب آسایش و پیشرفت نوع انسان است می‌اندیشند، از ظلم دست کشیده مهربانی پیشه می‌نمایند، از نابرابری چشم پوشیده دادپرور می‌شوند. تأسیس اخلاق الهی تنها از راه اجرای تعالیم آسمانی که موافق با مقتضیات زمان نازل شده، میسر است.

نابرابری زن و مرد در طول تاریخ از تاریکی افکار و اوهامی که زائیدهٔ پیش‌باوری‌های بی‌اساس بوده، سرچشمه گرفته. با تابش آفتاب حقیقت در اواسط قرن نوزدهم، بی‌اعتباری تفوق مرد بر زن اعلان و برابری جنسیتی جهانیان به مرور ایام لزومش آشکار و پایه‌اش در ممالک آزاد جهان روز به روز محکم‌تر گردیده است. طی این سخن به اثرات تیرگی افکار که منجر به عدم تساوی حقوق

رجال و نساء در دوره‌های پیش گردید، اشاره می‌شود و می‌بینیم چگونه در دورهٔ قیادت حضرت عبدالبهاء نابرابری بین دو نیم جامعه بهائی به تدریج از میان رفت و به تساوی گرائید. گرچه از آغاز پدیدهٔ جاهلانه نابرابری زن و مرد اطلاع موثقی در دست نیست، اما انتهایش را حضرت بهاءالله با صراحت و روشنی غیر قابل انکار در آثار خود بیان فرموده‌اند. از جمله می‌فرمایند:

«...الله الحمد قلم اعلی فرق مابین عباد و اماء را از میان برداشته و کل را در صقع واحد به عنایت کامله و رحمت منبسطه مقرر و مقام عطا فرمود. ظهر ظنون را به سیف بیان قطع نمود و خطرات اوهام را به قدرت غالبه قویّه محو فرمود.»^۲ همچنین می‌فرمایند:

«جمیع بدانند و در این فقره به انوار آفتاب یقین فائز و منور باشند. اناث و ذکور عندالله واحد بوده و هست و مطلع رحمن به یک تجلی بر کل مجلی. قد خلقهن لهم و خلقهم لهم احب الخلق عندالحق ارسخهم و اسبقهم فی حب الله جل جلاله...»^۳ در همین لوح مبارک، پیروان خود را از ستم‌های وارد بر نسون برحذر داشته، می‌فرمایند:

«باید دوستان حق به طراز عدل و انصاف و مهر و محبت مزین باشند. چنانچه بر خود ظلم و تعدی روا نمی‌دارند بر اماء الهی هم روا ندارند. انه یناطق بالحق و یامر بما ینتفع به عباد و امائه انه ولی کل فی الدنیا و الآخره.»^۴

در مورد تفاوت بین دوره‌های پیش و این دور بدیع، در ارتباط با آموزهٔ برابری رجال و نساء، حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

«در دوره‌های سابق جمیع اناث هر چند اقدام در خدمات نمودند و بادیهٔ محبت الله پیمودند، باز در صف رجال محسوب نمی‌گشتند، زیرا الرجال قوامون علی النساء منصوص بود. حال در این دوره بدیع کار اناث پیشی گرفت. این قید برداشته شد و کل محشور در صقع واحدند. هر نفسی قدم پیش نهاد نصیب بیش برد و هر سواری در این میدان جولان دهد به ضرب چوگان گوی بریاید، خواه رجال خواه نساء، خواه ذکور خواه اناث...»^۵

با وجود این بیانات واضح تفسیرناپذیر، اجرای اصل برابری زنان و مردان در جامعه بهائی در ابتداء با مشکلات فراوان روبرو بود. چون کاملاً بی سابقه بود و هیچ نقطه عطفی برای آن وجود نداشت. هر کس بر اساس پیش‌باوری‌هایش و تنگی یا فسحت نظراتش، آن را نوعی به خیال خود

تعبیر می‌نمود. در ایران همه، بخصوص مردان، می‌پنداشتند زنان حقّ عضویت بیوت عدل را در هیچ سطحی نخواهند داشت. تغییر چنین طرز فکری احتیاج به زمان داشت و بدون آماده ساختن اذهان، امکان‌پذیر نبود. روند آماده کردن مؤمنین ایران برای انتخاب زنان به عضویت محافل روحانی و محفل ملّی که همان بیوت عدل‌های محلی و بیوت عدل ملّی در آینده می‌باشد، از زمان ارسال کتاب مستطاب اقدس در سال ۱۸۷۵ میلادی، هشتاد سال ادامه داشت.

خانم‌های بهائی فوق بیست و یک سال در ایران در سال ۱۹۵۴ میلادی اجازه یافتند به عضویت این تشکیلات اداری امر الهی انتخاب شوند. در حالی که خواهران بهائی آنان در غرب چنین حقّی را در دهه اول قرن بیستم به دست آورده بودند، بینیم چگونه حضرت عبدالبهاء با ملاحظه شرایط زمان و مکان و توجه به طرز فکر مؤمنین در شرق و غرب عالم، در دوره قیادت خود زمینه اجرای آموزه برابری زنان و مردان را فراهم فرمودند.

به خاطر داشته باشیم که مردمان جهان در شرق و غرب عالم، در سال‌های اول قرن بیستم تفاوت‌های چشمگیری از نظر بلوغ اجتماعی و فرهنگی و از نظر بهره برداری از مزایای آزادی داشتند که البته هنوز هم دارند، ولی در آن زمان تفاوت‌ها به مراتب عمیق‌تر بود. در غرب تعلیم و تربیت کم و بیش تعمیم داشت و موانع غیر قابل عبور زیاد سر راه خانم‌ها برای حصول مدارج عالی در تحصیل علوم و فنون وجود نداشت، در حالی که در ایران اکثریت قریب به اتفاق خانم‌ها و اغلب آقایان از نعمت سواد بی‌بهره و در چنگ اوهام و خرافات سنتی اسیر بودند. برای آماده ساختن هر دو گروه و وارد نمودن آنان تحت لوای آموزه‌های حضرت بهاء‌الله که هدف عالی آن وحدت بشر است، حضرت عبدالبهاء به تحسین اخلاق پرداختند و با حلم و حکمت سرشاری که خاصّ حضرتش است، اقداماتی فرمودند که انجام هدف را در مدّت زمانی نسبتاً کوتاه میسر ساخت. برای حلّ مشکلاتی که جامعه تازه بهائی در ایالات متحده آمریکا با آن روبرو بود، حضرت عبدالبهاء چند تن از رجال برجسته را از شرق به آمریکای شمالی اعزام فرمودند تا یاران آن سرزمین را در سبیل درک صحیح تعالیم حضرت بهاء‌الله یاری کنند و از دمدمه‌های ابراهیم خیرالله بر حذر دارند.

تماس یاران شرق و غرب در شمال آمریکا ثمرات دیگری نیز در بر داشت. نقش فعّالی که خانم‌های مؤمن آمریکائی در اشاعه امر الهی ایفا می‌کردند، برای کسانی که در ایران شبیه آن را به

چشم ندیده بودند، غیر قابل انکار و در عین حال تحیرآور بود. نفس مشاهده فعالیت‌های خانم‌ها به آقایان می‌نمایاند که خانم‌ها از نظر استعداد درک آموزه‌های جمال اقدس ابهی و شرکت در خدمات امری نه تنها دست کمی از آقایان نداشتند که از آنان پیشی گرفته بودند.

علی‌رغم این احوال، به خاطر استنباطاتی ناصواب، وقتی در سال ۱۹۰۰ اولین بیت عدل‌های خصوصی در آمریکا انتخاب می‌گردید، خانم‌ها اجازه انتخاب شدن نیافتند، چون در کتاب مستطاب اقدس حضرت بهاء‌الله ذکر رجال بیت عدل فرموده‌اند. به گمان یکی از رجال بهائی ایرانی که در آن زمان در آمریکا می‌زیست، خانم‌ها در بیت عدل‌ها در هیچ سطحی نمی‌توانستند عضو باشند. این موضوع بر برخی از مؤمنین آمریکائی که آموزه برابری جنسیتی آنان را شیفته امر مبارک کرده بود، گران آمد. خانم کورین ترو (Corinne True)، یکی از این خانم‌ها بود. او در خدمات امری بسیار موفق و مورد عنایات و مراحم حضرت عبدالبهاء بود. این خانم به هیکل مبارک رو آورد و هدایت حضرتش را تمنا نمود. در جواب لوح مبارک زیر به افتخارش نازل گردید:

«یا امت‌الله المخضره کفضیب رطیب بنسیم محبت‌الله ائی قرئت تحریرک الدال علی فرط حبک و شدت خلوصک و اشتغالک بذکرالله توکلی علی‌الله و اترکی ارادتک و تمسکی بارادت‌الله و دعی رضائک و خدی رضاء‌الله حتی تکونی قدوه مقدسه روحانیه ملکوتیه بین اماء‌الله ثم اعلمی یا امت‌الله ان النساء عندالبهاء حکمهن حکم الرجال فالکل خلق‌الله خلقهم علی صورته و مثاله، ای مظاهر اسمائه و صفاته فلا فرق بینهم و بینهن من حیث الروحانیات الاقرب فهو الاقرب سواء کان رجالا او نساء و کم من امرئه منجذبه فاقت الرجال فی ظلّ البهاء و سبقت مشاهیر الآفاق. و اما بیت العدل به نصوص قاطعه فی شریعت‌الله اختصّ بالرجال حکمت من عندالله و سیظهر هذه الحکمت کظهور الشمس فی رابعه النهار و اما انتن ایتها المنجذبات بنفحات‌الله اسس محافل روحانیه و مجامع ربانیه الّتی هی اساس لنشر نفحات‌الله و اعلاء کلمه‌الله و سطوع سراج موهبت‌الله و ترویج دین‌الله و نشر تعالیم‌الله فهل من موهبت اعظم من هذا فهذه المحافل الروحانیه مؤیّده بروح‌الله و حامیها عبدالبهاء و ینشر جناحه علیها فهل من موهبت اعظم من هذا و هذه المحافل الروحانیه سرج نورانیه و حدایق ملکوتیه ینتشر منها نفحات‌القدس علی الآفاق و

یشرق منها انوار العرفان علی الامکان و یسری منها روح الحیات علی کلّ الجهات و هی اعظم سبب لترقی الانسان فی جمیع الشؤون و الاحوال فهل من موهبت اعظم من هذا.^۶ مضمون لوح مبارک به فارسی:

بعد از اعلان وصول مکتوب، حضرت عبدالبهاء ابتداء از فرط حبّ و شدّت خلوص این خانم و اشتغالش به ذکر الهی بیان می فرمایند، او را تشویق می نمایند به خدا توکل کند، اراده خود را رها نماید، متمسک به ارادت الله باشد، رضای خود را بگذارد و رضای الهی را اتخاذ نماید تا قدوه حسنه، یعنی الگوی زیبای روحانی و ملکوتی، بین اماء الله گردد. سپس می فرمایند، ای امت الله بدان که زنان نزد حضرت بهاء الله حکم رجال دارند، همه را خداوند به صورت و مثال خود آفریده، یعنی مظاهر اسماء و صفات خود قرار داده است و از حیث روحانیات فرقی میان مردان و زنان نیست. هر کس به حقّ نزدیک تر، مقرب تر است، چه از رجال باشد چه از نساء. چه بسا زنان منجذب که در ظلّ بهاء از مشاهیر آفاق پیشی گرفتند. اما بیت عدل به نصوص قاطع در شریعت الله مختصّ رجال است، حکمتی است از جانب پروردگار. این حکمت بزودی آشکار خواهد شد مانند ظهور آفتاب هنگام ظهر. در همان لوح حضرتش بانوان منجذب به نفعات الهی را تشویق می فرمایند که به تأسیس محافل روحانی پردازند، نسائم خوش حقّ را منتشر کنند، کلمه الهی را بلند نمایند، سراج موهبت الله را روشنائی بخشند، دین الله را ترویج نمایند، تعالیم الهی را منتشر کنند و اضافه می فرمایند، آیا موهبتی اعظم از این هست؟

در توصیف محافل می فرمایند، این محافل روحانی مؤیدند به روح الهی، حامی آنها عبدالبهاء است که بال های خود را بر آنها می گستراند. باز اضافه می فرمایند آیا موهبتی اعظم از این هست؟ این محافل روحانی سراج های نورانی و حدایق ملکوتی هستند که نفعات قدس را در آفاق منتشر می نمایند، از آنها انوار عرفان بر امکان می تابد و روح حیات در جمیع جهات ساری می گردد و این اعظم سبب است برای پیشرفت انسان در جمیع شؤون و احوال. آیا موهبتی اعظم از این هست؟ چون لوح مبارک به آمریکا رسید و احباء از مندرجاتش مطلع شدند، یکی از رجال سرشناس عریضه ای حضور حضرت عبدالبهاء تقدیم نمود. در جواب، لوحی نازل گردید که نمایانگر ناخوشنودی رجال از تعریف و تمجید حضرت عبدالبهاء از نساء است. ترجمه فارسی لوح مبارک از این قرار است:

ی‌مکن مکاتیبی که خطاب به احبای اناث مرقوم می‌گردد حاوی مطالبی بر سبیل تشویق باشد، اما مقصود از چنین عباراتی مشهود شدن این مطلب است که در این عصر بدیع بعضی از نسون از رجال سبقت گرفته‌اند. مقصود این نیست که کلیه نسون مقدم بر کلیه رجال باشند. اعضای محفل روحانی باید حتی المقدور سعی نمایند که وسایل تشویق نسون از احباء را فراهم آورند. در این دور نباید تفکرات بر مبنای "رجال" و "نساء" باشد. کلّ در ظلّ کلمة الله هستند، چه که هر نفسی اعم از رجال یا نساء یا اضعف نفوس بیشتر مجاهدت نماید، مکافاتش اعظم است.^۷

بانوان بهائی آمریکائی نصایح مشفقانه حضرت عبدالبهاء را تماماً به کار بستند، محافل برای تبلیغ امرالله تشکیل دادند و با جان و دل بیش از پیش به خدمت پرداختند. صیت آن محافل بلند شد و از سایر تشکیلات پیشی گرفت. چون ملاحظه شد که تأسیسات خانم‌ها و آقایان به موازی یکدیگر پیش می‌رود و لازم می‌بود همه به یک مرکز واحد که منتخب همه بهائیان محلّ بود، توجه نمایند، خانم‌ها مطیع محفل منتخب گردیدند، به خدمات خود ادامه دادند و در راه به دست آوردن حقوق برابری با آقایان از پا نشستند. در آن زمان در ایالات متّحده آمریکا که مهد آزادی بود، خانم‌ها در انتخابات کشوری از حق رأی برخوردار نبودند. حضرت مولی‌الوری که به مقتضیات اجتماعی زمان، وقوف کامل داشتند و می‌دانستند جامعه هنوز اهمیت اصل برابری جنسیتی را خوب درک ننموده، طوری به حلّ این مسأله دیرین پرداختند که مانع پیشرفت امرالله در مراحل آغازین تقدّمش نشود. حضرتش نقطه تمرکز را بر تعلیم و تربیت جامعه و تحسین اخلاق قرار دادند.

در مورد ظهور حکمت عدم عضویت زنان در بیت عدل که حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند مانند آفتاب در رابعة النهار آشکار خواهد شد، جالب این است که همه مشتاق بوده و هستند که علت یا دلیل آن را دریابند، زیرا که حضرت عبدالبهاء از حکمت آن سخن می‌رانند. تحیرانگیز این است که خیلی از دوستان، وقتی اشاره به این لوح مبارک می‌نمایند، لفظ حکمت را به کار نمی‌بندند و اکثراً اظهار می‌دارند، دلیل عدم عضویت زنان در بیت عدل به فرموده حضرت عبدالبهاء بزودی مانند آفتاب در رابعة النهار آشکار خواهد شد که البته صحیح نیست. بیانات مبارک را باید آنطور که فرموده‌اند نقل نمود، بخصوص در مورد مسأله‌ای پراهمیت و حسّاس چون برابری حقوق زن و

مرد. مهمّ است به یاد داشته باشیم که می‌فرمایند: «حکمت من عندالله». ذکری از علت یا دلیل نمی‌فرمایند.

ببینیم چه شد که زنان حقّ انتخاب در مؤسّسات اداری بهائی را یافتند. چند سال پس از انتخاب اولین بیت عدل محلی در آمریکا که به دستور حضرت عبدالبهاء نام آن به طور موقت به محفل روحانی محلی تبدیل یافته بود، اقدامات خانم‌ها برای به دست آوردن حقّ انتخاب و عضویت در آن محافل به صورت ظاهر بی‌نتیجه مانده بود. اما اموری جریان داشت که در تثبیت ظرفیت آنان و رسیدن به مطلوب، اثر کلّی داشت. یکی از آن امور تهیه زمین مناسب برای ساختمان اولین مشرق‌الاذکار غرب در اوایل قرن بیستم بود. وقتی حضرت مولی‌الوری اجازه فرمودند، اقدامات برای بنای اولین مشرق‌الاذکار غرب در شیکاگو فراهم آید، اولین قدم تهیه زمینی مناسب برای این منظور بود. چون مذاکرات محفل روحانی در این زمینه بی‌نتیجه ماند، حضرت عبدالبهاء مسؤلیت انجام کار را به خانم کورین ترو واگذار کردند. این خانم مؤمن با کفایت و فداکار در کوتاه مدت به این امر توفیق یافت و زمین مناسبی یافت که حضرتش تصویب فرمود. این خانم به امور مالی نیز نظارت داشت و برای جمع‌آوری مبلغ لازم برای ابتیاع زمین سخت می‌کوشید. در آن زمان واگذار نمودن امور معاملات ملکی به یک بانو بی‌سابقه بود. این خانم محترم چنان در راه رسیدن به مقصود با جان و دل خدمت نمود که وقتی اعضای هیأت اتحاد معبد در سال ۱۹۰۹ انتخاب گردید، او در جرگه منتخبین بود. این هیأت در حقیقت پیشرو تشکیل محفل روحانی منطقه‌ای بهائیان ایالات متّحده آمریکا و کانادا بود که در سال ۱۹۲۳ با عضویت دو بانو و هفت تن از آقایان تأسیس یافت. در فاصله بین ۱۹۰۰ و ۱۹۰۹ که هیأت اتحاد معبد تشکیل شد و به کار پرداخت، جامعه با اقدامات مرکز میثاق به مرحله‌ای رسیده بود که عضویت خانم‌ها را بدون استیحاّش آقایان ممکن ساخت. قبل از انتخاب این هیأت، هنگامی که زمان مقتضی فرا رسیده و شرایط مناسب فراهم آمده بود، حضرتش با لوحی برابری زنان و مردان را تأکید و صلاحیت عضویت بانوان را در همه تشکیلات امری - مگر در بیت عدل عمومی - بیان فرموده بودند:

«در شریعت‌الله نساء و رجال در جمیع حقوق متساویند، مگر در بیت‌العدل عمومی زیرا رئیس و اعضای بیت‌العدل به نصّ کتاب رجالنند.»^۸

مقصود از نصّ کتاب در بیان فوق به نظر می‌رسد الواح مبارکه و صایا باشد، چون در سایر آثار به رئیس بیت العدل صریحاً یا تلویحاً اشاره‌ای دیده نشده. البتّه در کتاب مستطاب اقدس بند ۴۲، در رابطه با موقوفات، اشارتی تلویحی به مؤسسه ولایت امر موجود است، امّا در الواح مبارکه و صایا، حضرت عبدالبهاء نحوه انتخاب اعضای بیت العدل عمومی را تعیین و ولیّ امرالله را به مقام «رئیس مقدّس این مجلس و عضو اعظم ممتاز لاینعزل» آن منصوب فرموده‌اند. بر این اساس است که احتمال می‌رود مقصود از کتاب در لوح مبارک فوق، الواح و صایا باشد.

در لوح خطاب به کورین تر که قبلاً زیارت کردیم، حضرت مولی الوری مسأله عدم عضویت زنان در "بیت العدل" را که تصوّر می‌شد همه بیوت عدل را شامل باشد، به حکمت الهی مربوط فرمودند. برای آن که حکمت مزبور به نحوی مشهود گردد که همه بتوانند به وضوح آن را مشاهده نمایند، گذشت زمان لازم بود تا زمینه برای عضویت زنان در کلیه تشکیلات امری، غیر از بیت العدل عمومی، فراهم آید. اصطلاح "حکمت" توجّه احبّاء را از تمرکز و تأمل بر عدم قابلیت زنان که همه آن را عامل اصلی نابرابری و عدم صلاحیت زنان برای خدمت در مؤسّسات اداری تلقّی می‌کردند، منحرف نمود و به موضوعی سوق داد که قادر به درکش نبودند. عطف نظر به مسئله "حکمت" اولین قدم در اجرای تعلیم، برابری جنسیتی است. حضرت بهاءالله همان طور که از پیش اشاره شد، تصوّر برتری مردان بر زنان را مردود و به صراحت فرموده‌اند: «قلم اعلی فرق مابین عباد و اماء را از میان برداشته... ظهر ظنون را به سیف بیان قطع نمود و خطرات اوهام را به قدرت غالبه قویّه محو فرمود.»

در طیّ دوران ولایت، موضوع عدم عضویت بانوان در بیت عدل مجدداً مطرح گردید. بعد از تأسیس بیت العدل اعظم نیز پرسش در این زمینه ادامه داشت و جواب همیشه مبتنی بر الواح حضرت عبدالبهاء در این مورد بوده، بخصوص لوحی که به افتخار خانم کورین تر نازل شده و قبلاً نقل گردید. در مکتوبی که در ۲۸ ژوئیه ۱۹۳۰ از طرف حضرت ولیّ امرالله نوشته شده، چنین آمده است:

لوح مبارکی از حضرت عبدالبهاء در دست است که هیکل مبارک در آن قاطعانه تصریح می‌فرمایند که عضویت بیت العدل منحصرأً با رجال است و این که حکمت آن در آتیّه ایام به طور کامل مکشوف و معلوم خواهد گردید، امّا در بیوت عدل محلّی و ملّی، نسوان واجد حقّ کامل

عضویت هستند. بنابراین فقط در بیت العدل عمومی است که نمی‌توانند انتخاب شوند. در همین پیام به بهائیان توصیه می‌فرمایند: این بیان حضرت مولی‌الوری را با روح ایمان عمیق بپذیرند و اطمینان داشته باشند که هدایت و حکمت الهی در آن مکنون است که تدریجاً در مقابل عیون اهل عالم مکشوف و مشهود خواهد گردید.^۹

چه خوب می‌بود اگر دوستان گرام در احیان توضیح بیانات مبارکه دربارهٔ برابری حقوق زنان و مردان، واژهٔ حکمت را همان طور که نازل شده به کار می‌بردند و از تغییر آن به واژه "علت" یا "دلیل" خودداری می‌نمودند، چون عدم توجه به این امر، نه تنها مفهوم بیان مبارک را دگرگون جلوه می‌دهد که امکان رواج تصوّرات موهوم سنتی را بیشتر می‌نماید.

پردازیم به احراز حق عضویت بانوان در تشکیلات انتخابی بهائی در ایران که به خاطر کمبود رشد اجتماعی، موهوم پرستی و پیش‌باوری‌های رایج به مراتب مشکل‌تر می‌نمود. عواملی که ذکر شد، زنان را در مقام و موقع پستی نگه داشته بود و همگان مستثنی بودن آنان را از عضویت مؤسّسات تصمیم‌گیری امری عادی می‌پنداشتند. تغییر این نوع طرز فکر به زمانی بسیار طولانی‌تر احتیاج داشت. در احیانی که حضرت عبدالبهاء مشغول آماده کردن احبای غرب برای اجرای اصل برابری رجال و نساء بودند، زمینه را برای تحقّق آن در شرق نیز آماده ساختند. هیکل مبارک بانوان بهائی ایران را تشویق می‌فرمودند به خانم‌های بهائی در امریکا و اروپا تأسی نمایند و حتی از آنان در میدان خدمت سبقت گیرند. در لوحی می‌فرمایند:

«ای ورقات موقنات، در صفحات اروپا و امریکا اماء رحمن گوی سبقت و پیشی را از میدان رجال ربوده‌اند و در تبلیغ و نشر نفعات الله ید بیضا نموده‌اند. عنقریب مانند طیور ملاً اعلی در اطراف و اکناف دنیا به پرواز آیند و هر نفسی را هدایت کنند و محرم راز گردانند. شماها که ورقات مبارکه شرفیّد، باید بیش از آنان شعله زیند و به نشر نفعات الله پردازید و ترتیل آیات الله کنید. پس تا توانید به نصایح و وصایای جمال مبارک قیام نمائید تا جمیع آرزوها میسر گردد و آن جویبار و چمن گلشن احدیت گردد.»^{۱۰}

از دیگر اقدامات این بود که حضرت عبدالبهاء برخی از بانوان بهائی غرب را تشویق می‌فرمودند که به ایران سفر نمایند و به زنان آن مرز و بوم و حامیان آنها در فراهم نمودن وسایل تعلیم و تربیت و بهداشت کمک کنند. این خانم‌های امریکائی برای بانوان بهائی ایران نمونه‌هائی

ملموس و زنده از آتیه‌ای درخشان بودند که در آن زنان و مردان در میادین خدمت همگام پیش می‌رفتند. اول کسی که صلاهی حضرت عبدالبهاء را اجابت کرد، دکتر سوزان مودی (Susan Moody) بود. او در اوایل سال ۱۹۰۹ در طهران سکونت اختیار نمود و برای بهبود وضعیت بهداشتی زنان شروع به فعالیت نمود. او در تأسیس مدرسه دختران، مشابه مدرسه تربیت پسران، البته در مقیاسی کوچک‌تر نیز سهمی بسزا داشت. قریب یک سال بعد از ورودش به طهران، در فوریه ۱۹۱۰ نامه‌ای به احبای امریکا نوشت که حاوی این خبر مسرت بخش بود:

«مدرسه دختران قطعی است. آنها کار خود را با محل سکونت برای پنجاه محصل شروع خواهند کرد... لطفاً به کسی که مایل به اعانت است بگوئید که تعلیم و تربیت هر دختر در طی یک ماه فقط یک دلار و نیم خرج برمی‌دارد. در اینجا بسیاری از احباء فقیرتر از آنند که کمک کنند و این طریقی برای کمک به ارتقای سطح ایران از وضعیتی نومیدکننده است.»^{۱۱}

دکتر مودی می‌دانست به وجود خانمی تحصیل کرده در رشته تعلیم و تربیت جهت تدریس در مدرسه دختران طهران احتیاج شدید بود، با موافقت حضرت عبدالبهاء خانم لیلیان کپس (Lillian Kappes) این خدمت را به عهده گرفت و عازم طهران گردید. او در انجام خدماتش دچار محدودیت‌هایی بود که مبنایش بر اصل سنتی نابرابری زنان و مردان قرار داشت. ملاحظه این وضع ناگوار بر صحت جسمانی او اثر گذاشت. دکتر سارا کلاک (Dr Sarah Clock) که برای مساعدت به دکتر مودی به ایران سفر کرده بود، در سال ۱۹۱۶ در نامه‌ای خطاب به برخی از بانوان بهائیان ایالات متحده امریکا، پرده از واقعیت اوضاع برداشت. او می‌نویسد:

«دیروز میس ک (کپس) که در اثر ملاقات با پنج تن از مردان سخت آزوده شده بود، در حالی که از لحاظ عصبی کاملاً درهم ریخته بود، به منزل بازگشت و تمام شب را به علت نگرانی و آن وضعیت عصبی نتوانست بخوابد... چندی قبل لوحی به دست یکی از ایرانیان رسید که در آن از میس ک و کارش در مدرسه تمجید شده بود... بسیاری از مردان شایسته و کلیه زنانی که در جلسه‌ای پر شور در کنارش بودند، جملگی از او حمایت می‌کنند و به تقویت روحیه او می‌پردازند... اگر میس کپس بهائیان نبود یا کمتر از یک قدیس بود، وضعیت فعلی اش را تحمل نمی‌کرد. مدت پنج سال دست‌های او بسته بوده است، یعنی اجازه و مجال نیافته، نظریات مترقی اش را در مورد مدرسه به کار برد... برخی از بهترین مردان تماماً حامی او هستند. آنها پیشنهاد می‌کنند که مدرسه

دیگری برای او تأسیس کنند و چند تن از شایسته‌ترین دوشیزگان به رایگان به تدریس خواهند پرداخت.»^{۱۲}

وجود بانوان بهائی امریکائی در ایران سبب گردید، اماء الرّحمن ایرانی به حقوق مساوی خود با مردان بهتر آشنا شده، دریابند که آن حقوق شامل فعالیت و خدمت در تشکیلات امری نیز می‌گردد. برخی از نسوان بهائی که از دست‌آوردهای خواهران بهائی خود سرشوق آمده بودند یاد گرفتند، از اعتماد به نفس برخوردار شده، حقوق خدا داده خود را مطالبه نمایند. وقتی تقاضاهای آنان جهت برخورداری از مزایای برابری با مخالفت رجال روبرو شد، تعدادی از آنان به حضور حضرت عبدالبهاء عریضه تقدیم نمودند. هیکل مبارک ضمن تصویب "تأسیس محفل اماء به جهت ترویج معارف" می‌فرمایند: «اما باید حصر در مذاکره معارف باشد» و توضیح می‌دهند:

«باید نوعی نمود که اختلاف روز به روز زایل شود، نه این که منتهی به آن شود که در میان رجال و نساء معاذالله به مجادله انجامد... من در سعی و کوشش که عالم نساء را به عون و عنایت جمال مبارک چنان ترقی دهم که کلّ حیران مانند، یعنی در روحانیت و فضائل و کمالات انسانیت و معرفت... حال شما باید قدری سکون و قرار داشته باشید تا کار به حکمت پیش رود و الاّ چنان مغشوش و درهم شود که خود شما بگذارید و فرار نمائید. این طفل یک شبه ره صد ساله می‌رود. باری حال شما به روحانیت صرفه پردازید و با رجال اختلاف ننمائید. عبدالبهاء جمیع امور را به حکمت ترتیب می‌دهد، مطمئن باشید. عاقبت خود شما خواهید گفت: ما هذه الحکمت العظمی. من از خود شما می‌خواهم که این اختلاف بین رجال و نساء را محو نمائید.» و در آخر لوح می‌فرمایند: «هیچ نفسی به سعی خود کاری از پیش نبرد، عبدالبهاء باید راضی باشد و امداد نماید.»^{۱۳}

برای آماده نمودن اذهان بهائیان ایران جهت پذیرش عضویت زنان در مؤسّسات انتخابی محلی و ملی، حضرت عبدالبهاء بانوان بهائی را به کسب معارف تشویق می‌فرمودند و رجال را برای پذیرفتن اصل برابری با حکمت کبری تعلیم می‌دادند. تهیه این مقدمات در ایران بیش از نیم قرن ادامه داشت. بالأخره حضرت شوقی افندی عضویت اماء الرّحمن ایران در تشکیلات اداری امر را جزو اهداف نقشه ده ساله جامعه بهائیان ایران منظور فرمودند که در رضوان سال ۱۹۵۴ جامعه عمل پوشید. با همه کوششی که شده بود، در آن سال تنها خانمی که به عضویت محفل

روحانی ملی بهائیان ایران انتخاب گردید، خانم ادلید شارپ (Adelaide Sharp)، یک خانم بهائی از غرب بود!

دوستان الهی در ایران هنوز به قابلیت اماء رحمن آن سرزمین جهت عضویت محفل مقدس روحانی ملی، پس از سالیان دراز، آن طور که باید پی نبرده بودند. محافل روحانی در آن سال یا به کلی فاقد عضو زن بود یا فقط یک عضو زن داشت. مدتی طول کشید تا جامعه بهائی سراسر ایران به شایستگی اماء الرحمن برای عضویت در تشکیلات انتخابی پی برد. ارزش واقعی آنان وقتی آشکاراً جلوه کرد که انقلاب اسلامی آنان را همچون مردان دستگیر کرد، به زندان انداخت، شکنجه نمود، طناب به گردنشان افکنده به دار آویخت، حتی به جوخه آتش سپرد یا به طریقی مرموز به گمان خود نابودشان کرد، غافل از این که:

هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق ثبت است بر جریده عالم دوام ما

حضرت عبدالبهاء عامل اصلی نابرابری زنان و مردان در گذشته ایام را چنین بیان می فرمایند:

«در قدیم دنیا با زور اداره می شد و مرد چون جسماً و فکراً از زن قوی تر و زورمندتر بود، بر او غالب و مسلط بود. ولی حال وضع عوض شده و اعمال زور و عنف تسلط خود را از دست داده است و اکنون هوشیاری و فهم و فراست فطری و خصائل روحانی محبت و خدمت که در زن قوی است تفوق و غلبه یافته است و به این مناسبت عصر جدید بیشتر با عواطف و نوایای زنان آمیخته است تا با صلابت مردان، یا اگر بخواهیم روشن تر و صحیح تر بگوئیم، عصری خواهد بود که در آن دو عنصر مرد و زن در ایجاد تعادل و هماهنگی در مدنیت به طور یکسان مؤثر خواهند بود.»^{۱۴}

سخنم را با فقره ای از "وعده صلح جهانی" از دستخط های بیت عدل اعظم الهی خطاب به جهانیان پایان می دهم: «آزادی زنان و وصول به تساوی میان زن و مرد، هر چند اهمیتش چنان که باید هنوز آشکار نباشد، یکی از مهم ترین وسائل حصول صلح جهانی محسوب است. انکار تساوی زن و مرد نتیجه اش روا داشتن ظلم و ستم به نیمی از جمعیت جهان است و چنان عادت و رفتار ناهنجاری را در مردان به وجود می آورد که اثرات نامطلوبش از خانه به محل کار و به حیات سیاسی و مآلاً به روابط بین المللی کشیده می شود. انکار مساوات میان زن و مرد هیچ مجوز اخلاقی و عملی یا طبیعی ندارد و فقط زمانی که زنان در جمیع مساعی بشری سهمی کامل و

متساوی داشته باشند از لحاظ اخلاقی و روانی جوّ مساعدی خلق خواهد شد که در آن صلح جهانی پدیدار گردد.»^{۱۵}

یادداشت‌ها

- ۱- پیام آسمانی، از انتشارات پیام بهائی، فرانسه، ج ۱، ۱۹۸۸، ص ۸۳.
- ۲- اشراق خاوری، عبدالحمید، *مائدة آسمانی*، مؤسسه ملی مطبوعات امری، دهلی، هندوستان، ۱۹۵۱، ج ۸، ص ۵۲-۵۳ و مجموعه نسوان (ترجمه از انگلیسی - مجموعه‌ای از نصوص درباره مقام زن در امر بهائی)، شماره ۲.
- ۳- یزدانی، احمد، *مقام و حقوق زن در دیانت بهائی*، لجنة ملی نشر آثار امری، ۱۹۵۱، ص ۷۶.
- ۴- *مقام و حقوق زن*، ص ۷۶.
- ۵- اشراق خاوری، عبدالحمید، *مائدة آسمانی*، ج ۹، ۱۹۸۴، ص ۷.
- ۶- حضرت عبدالبهاء، *منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء*، محفل روحانی ملی ایالات متحده آمریکا، ۱۹۷۹، ج ۱، ص ۷۶-۷۷ و مجموعه نسوان، شماره ۳۸.
- ۷- مجموعه نسوان، شماره ۱۹.
- ۸- مجموعه نسوان، شماره ۱۵.
- ۹- مجموعه نسوان، شماره ۳۱.
- ۱۰- حضرت عبدالبهاء، *مکاتیب حضرت عبدالبهاء*، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۴ بدیع، ج ۷، ص ۲۱۹ و مجموعه نسوان، شماره ۱۰۰.
- ۱۱- *Star of the West*, Vol. 1, Issue 2, 1910, p. 11 (ترجمه از انگلیسی).
- ۱۲- *In Iran, Studies in Bábí & Bahá'í History*, Vol. 3, Kalimat Press, LA, 1986, p. 190 (ترجمه از انگلیسی).
- ۱۳- حضرت عبدالبهاء، *مکاتیب*، ج ۷، ص ۳۶-۳۷ و مجموعه نسوان، شماره ۱۳.
- ۱۴- مجموعه نسوان، شماره ۲۵.
- ۱۵- *وعده صلح جهانی*، بخش دوم، ۱۹۸۵ و مجموعه نسوان، شماره ۹۱.